

مسائل فقه سیاسی^۱

دکتر نجف لک‌زایی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۴/۱۵

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی، وظایف جدیدی را متوجه نظام علمی کشور، اعم از حوزه و دانشگاه، کرد. آنچه در چند سال اخیر، با عنوان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی از آن یاد می‌شود، در زمره همین مسائل است. در حوزه دانش سیاسی نیز انتظار تحولاتی جدی و اساسی می‌رود؛ از آن جهت که مبنای نظم در اسلام فقه است، «فقه سیاسی» به‌عنوان یکی از رشته‌های ضروری در حوزه دانش سیاسی مطرح می‌شود. یکی از موانعی که بر سر راه تأسیس این رشته وجود دارد، تصورات ناقص و نادرست نسبت به مسائل مورد بحث در آن است. غالباً تصور می‌کنند «فقه سیاسی» مباحث زیادی ندارد و تمام مسائل آن در محدوده بحث «ولایت فقیه» قابل جمع‌بندی است، در حالی که این نگاه از بنیان نادرست است. در این مقاله فقه سیاسی به‌عنوان دانشی که عهده‌دار تطبیق و هماهنگی واقعیت‌های متغیر زندگی اجتماعی و سیاسی با نصوص دینی است، مورد توجه قرار گرفته و مسائل آن با دو رهیافت توصیفی و تجویزی بررسی شده است. در بخش توصیفی مباحث فقه سیاسی در آثار برخی از فقهای اهل سنت و شیعه گزارش شده و در بخش تجویزی، با در نظر گرفتن انتظارات کنونی از فقه سیاسی فهرستی از مباحث و مسائلی که در این رشته علمی باید بحث شود و در وضعیت فعلی زمینه لازم برای تأسیس چنین رشته‌ای را فراهم می‌سازد، آمده است.

واژگان کلیدی

فقه سیاسی، اهل سنت و تشیع

مقدمه

«استقلال خواهی» که از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی ایران بود و اکنون نیز مدنظر است، دارای وجوه، سطوح، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های متفاوتی است. از این دیدگاه می‌توان دو سطح برای آن در نظر گرفت: «سطح ذهنی - معنوی» و «سطح عینی - مادی». با این پیش‌فرض که فرهنگ، به معنای مجموعه محتوای باطنی ما انسان‌ها، سازنده رفتار و کردار ماست، می‌توانیم ادعا کنیم که رسیدن به «استقلال» در عرصه‌های فرهنگی، به معنایی که گفته شد، شرط لازم برای دستیابی به «استقلال» در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... است.

زخم‌هایی که در سراسر دوران قاجار و پهلوی بر استقلال ایران وارد شد، بیش از آنکه به سطوح مادی جامعه ما خدشه وارد کند، به سطوح معنوی و فرهنگی آن آسیب وارد کرد. هرچند در این مقال در صدد تبیین چرایی این واقعه نیستیم، اما به‌اجمال می‌توان گفت که مجموعه‌ای از عوامل داخلی از قبیل استبداد، جهل، جمود، فقر و بی‌توجهی به دستوره‌های انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام، شرایط را برای نقش‌آفرینی عوامل خارجی فراهم کرد و این دو دسته عوامل به کمک هم بنیاد استقلال ایران را تخریب کردند. نتیجه این شد که از نظر فرهنگی مجال وسیعی برای حضور فرهنگ‌های بیگانه فراهم شد و میراث فرهنگی اسلامی و بومی در مراکز رسمی دولتی، به‌ویژه در دوره پهلوی حذف و طرد شد و حتی از وجود حاشیه‌ای آن نیز راضی نبودند و تمام تلاش متولیان فرهنگی کشور در جهت حذف هویت اسلامی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی بود. از کشف حجاب عصر رضاشاه تا تغییر تاریخ هجری به سلطنتی در عصر پهلوی دوم، تماماً در همین جهت بود.

به گفته حمید عنایت، در مراکز دانشگاهی و از جمله، در دانشکده‌های علوم سیاسی نیز همین سیاست دنبال می‌شد؛ به گونه‌ای که دانشجوی ایرانی اندیشمندان غربی را می‌شناخت، اما درباره اندیشمندان مسلمان ایرانی چیزی نمی‌دانست. حتی بخشی از روشنفکران با هرگونه تحقیق در حوزه تاریخ عقاید اجتماعی و سیاسی ایران و اسلام علناً مخالفت می‌کردند؛ به این عذر که این عقاید یکی از موانع اصلی پیشرفت و بیداری ایرانیان بوده است و هر کوششی برای احیای آن‌ها کاری بیهوده، فضل‌فروشانه

و وسیله انحراف از عقاید مناسب دنیای مدرن است (ازغندی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). حتی کار به جایی رسید که اندکی از میراث اسلام و ایران نیز که در آغاز آموزش علم سیاست در ایران به دانشجویان آموزش داده می‌شد، حذف شد: «در نخستین دوران آموزش علم سیاست در ایران، دانشجویان با علوم عربی، ادب فارسی و تاریخ فرهنگ ایران آشنا می‌شدند، لکن با گسترش موج تجددمآبی در دانشگاه، آگاهی از این امور فاقد ضرورت تشخیص داده شد و به تدریج شکاف میان دانش‌آموختگان جدید با سنت فکری گذشته رو به گسترش نهاد» (ازغندی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). در این شرایط، تقلید از غرب جایی برای اندیشیدن به مسائل بومی نگذاشته بود و مانع از آن بود که متفکران و صاحب‌نظران ایرانی در عرصه‌های مختلف علوم انسانی سربرآورند و اقدام به تولید علوم انسانی متناسب با جامعه ایران و به‌ویژه تولید «علم سیاست ایرانی» کنند.

از طرف دیگر، در حوزه‌های علمیه نیز به علت فشارهای فراوانی که بر روی آن‌ها بود و نیز به دلیل اینکه سده‌ها از حکومت دور بودند، طرح مباحث اجتماعی و حکومتی رونق گذشته را نداشت و حتی می‌توان گفت دانشی همچون فقه، که عهده‌دار بیان تکالیف مسلمانان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، و داخلی و بین‌المللی بود، عمدتاً حول مسائل فردی دور می‌زد؛ البته نمونه‌هایی از قبیل نایینی، مدرس و امام خمینی (ره) توانستند تأثیرات پایداری بر روند غالب بگذارند و جهت‌گیری فقه را به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی سوق دهند. در این نوشتار تأکید بر فقه سیاسی است. فقه سیاسی، به‌عنوان شاخه‌ای از دانش اسلامی، که عهده‌دار تنظیم وظایف و حقوق مردم در رابطه با یکدیگر، مردم و حکومت و نیز حکومت‌ها با یکدیگر است، از پیشینه‌ای برخوردار است که شایسته است با رویکردی علمی و محققانه بررسی شود، ولی از آن مهم‌تر اینکه فقه سیاسی دانشی متناسب با شرایط و مقتضیات جدید باشد؛ فقه سیاسی اگر طرح مسائل و مشکلات سیاسی انسان معاصر و جامعه معاصر را در دستور کار خود قرار دهد، دانشی به‌روز، اسلامی، بومی و از حافظان استقلال ایران و جهان اسلام خواهد شد. آنچه به فقه سیاسی این توانایی را می‌دهد، ویژگی اجتهادی آن است؛ اجتهاد عنصری است که میان اصول ثابت اسلامی با شرایط و مقتضیات زمان و مکان پیوند برقرار می‌کند.

نکته‌ای که توجه به آن ضروری است اینکه اجتهاد در عرصه فقه سیاسی بر انبوهی از دانش‌های مختلف از قبیل تسلط بر ادبیات عرب، آگاهی به دانش‌هایی چون منطق، اصول فقه، رجال، آگاهی به قرآن و حدیث، ممارست در تفریع فروع بر اصول و تتبع اقوال فقیهان تکیه دارد.

مراکز آموزشی و پژوهشی علم سیاست در ایران، اعم از حوزوی و دانشگاهی باید اندکی در وضع موجود خود تأمل کنند و فاصله خود تا شرایط مطلوب را بررسی کنند و تمهیدات لازم برای رسیدن به شرایط مطلوب را فراهم آورند. شناخت زوایای تاریک تاریخ اندیشه‌های سیاسی اسلام در ابعاد فلسفی، کلامی، فقهی، عرفانی، اخلاقی و... تحول در سرفصل‌ها و مواد درسی رشته‌های مختلف علوم انسانی، به‌ویژه علوم سیاسی و تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و خود اتکایی و بهره‌برداری از قرآن و احادیث می‌تواند از گام‌های جدی در آغاز چنین مسیری باشد. خوشبختانه اخیراً نسبت به وجوهی از این مسئله در برخی مقالات پژوهشی توجه شده است (افتخاری، ۱۳۸۵).

این مقاله عهده‌دار پاسخ به این پرسش اساسی است که فقه سیاسی، به‌عنوان یک رشته آموزشی و پژوهشی، از چه مسائلی برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش سعی خواهد شد این کار در دو قسمت انجام شود: قسمت اول، تصویری از آنچه تاکنون توسط متفکران مسلمان در فقه سیاسی بررسی شده است، ارائه خواهد شد. این قسمت پیشینه بحث، در قالب تلاش عالمان گذشته است. در قسمت دوم، تصویری از آنچه که به‌عنوان مسائل فقه سیاسی امروز باید بدان توجه شود، ارائه خواهد شد. البته قبل از آن نگاهی به چارچوب نظری بحث و مفهوم فقه سیاسی خواهد شد، به معنایی که در این نوشته مد نظر است، پرداخته می‌شود.

۱. چارچوب نظری

چارچوب نظری به‌کاررفته در مقاله چارچوبی استقرایی - قیاسی و مبتنی بر کلام شیعی در حوزه انتظار از دین است. به این معنا که برای بررسی پیشینه مباحث فقه سیاسی از استقراء در آثار عالمان، از گذشته تاکنون، بهره گرفته شده و برای ارائه رهیافت تجویزی از هر دو استفاده شده است. رویکرد قیاسی، با بهره‌گیری از کلام شیعه، در بخش تعیین

انتظار از دین، به مثابه یک مکتبی که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی انسان است و فقه به نویسنده یاری رسانده است. ضرورت عدم تفکیک دین و سیاست، لزوم تبدیل احکام فقه و التزام آن به قانون، ضرورت تشکیل دولت اسلامی، توجه به اصل مصلحت عمومی، توجه به اصل عدالت، توجه به مقتضیات زمان و مکان، توجه به نقش کارشناسان در صدور احکام حکومتی، تفکیک حوزه ثابت‌ها و متغیرها، توجه به شخصیت‌های حقوقی در کنار شخصیت‌های حقیقی، دستکاری در منابع و روش‌های تولید معرفت و توجه بیشتر به عقل و مصلحت عمومی از الزامات و پیش‌فرض‌های پذیرش و ارائه فقه سیاسی به مثابه یک رشته مستقل علمی است. اهمیت بحث الزامات و پیش‌فرض‌ها در این است که به شفافیت مباحث و تعیین انتظارات از فقه سیاسی کمک می‌کند و نیز تفکیک مکاتب و دیدگاه‌های مختلف در همین قسمت صورت می‌گیرد. روشن است که اگر کسی پیش‌فرض‌ها و الزامات مذکور را نپذیرد، با نویسنده در ضرورت تأسیس رشته فقه سیاسی همداستان نخواهد بود.

فقه سیاسی دارای دو کاربرد است: فقه سیاسی به معنای عام و فقه سیاسی به معنای خاص. در کاربرد عام، منظور از «فقه سیاسی» نگرشی است که لازم است بر سراسر فقه حاکم باشد. در اینجا به فقیه توصیه می‌شود که در بررسی احکام و مباحث فقهی و بیان افعال مکلفان، انسان‌ها را به عنوان کسانی که در یک بستر اجتماعی و حکومتی زندگی می‌کنند، در نظر بگیرد و فتوا صادر کند و به عنوان انسان‌های منفرد بریده از اجتماع به آن‌ها نگاه نکند: «فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یکجا از اداره زندگی این جامعه، تأثیری خواهد داشت، تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. باید همه این‌ها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط کنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۷۱).

در این برداشت از فقه سیاسی، تلاش‌ها عمدتاً مصروف این نکته می‌شود که شعار جدایی دین از سیاست طرد شود و فقیه از این دیدگاه به فقه و شریعت بنگرد که سیاست و توجه به تدبیر امور اجتماعی از عناصر ذاتی دین اسلام است.

در کاربرد خاص، مراد از «فقه سیاسی» بخشی از مسائل و مباحث فقهی است که به‌طور خاص به موضوعات سیاسی و حکومتی می‌پردازد. در اینجا فقه سیاسی در کنار رشته‌های دیگر فقهی مطالعه می‌شود. ضرورت تفکیک رشته فقه سیاسی از سایر مباحث فقهی به این صورت توجیه می‌شود که فقه بسیار گسترده شده و تخصص در تمامی ابواب و مسائل آن از توان یک شخص خارج است؛ بنابراین، لازم است که فقه تخصصی شود. آیت‌الله مطهری در همین زمینه می‌گوید:

برخی از محققان هم احکام فقهی را به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم کرده‌اند. از این دیدگاه، فقه سیاسی در بخش احکام عمومی قرار می‌گیرد و معنای خاص از آن اراده می‌شود:

«حکم خصوصی حکمی است که موضوع آن فرد یا افراد خاص است، اعم از اینکه تنها یک فرد مکلف به انجام یا ترک آن باشد؛ مانند خصایص پیامبر(ص) یا افراد زیاد به نحو عموم افرادی یا بدلی یا مجموعی، مانند وجوب نماز و روزه، واجبات کفایی، احکام عقود و ایقاعات و احوال شخصی؛ درحالی‌که حکم عمومی حکمی است که موضوع آن فرد یا افراد نیست بلکه جامعه است؛ مانند مقررات فرهنگی، بهداشتی، جنگ، صلح، بیمه، مالیات، مقررات حقوقی، جزایی، سیاسی اقتصادی و بین‌المللی» (گرچی، ۱۳۸۴، ص ۸).

نکته‌ای که دارای اهمیت بسیاری است و از زاویه نگاه این نوشته قابل توجه است، این است که در میان علمای متقدم این معنا از فقه سیاسی شناخته شده، رایج و مورد توجه بوده است. بعدها انحطاط جهان اسلام در عرصه‌های مختلف و از جمله در عرصه‌های علمی سبب شد تا کم‌کم بسیاری از مباحثی که در حوزه‌های علمیه مورد بحث بود، به فراموشی سپرده شود. ذکر دیدگاه فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی در این باره مؤید این ادعاست. معلم ثانی، ابونصر فارابی، معتقد است در عصر نبود رئیس

مماثل - امامی که جانشین رئیس اول یعنی پیامبر (ص) شده بود - اداره جامعه بر اساس آموزه‌های فقهی خواهد بود. فقیه دانشمندی است که می‌تواند با استفاده از اصول کلی ارائه شده از جانب پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) تکلیف انسان مسلمان را در هر عصری متناسب با شرایط آن عصر تبیین کند. به نظر فارابی هرگاه رئیس مماثل [امام معصوم (ع) که مشابه پیامبر (ص) بود]، در جامعه حضور نداشته باشد (و اذا مضی أحد من هؤلاء الائمه الابرار) در این صورت لازم است که در همه افعال و اعمالی که در جوامع و نظام‌های سیاسی تحت ریاست اوست، از قواعد و احکام گذشته پیروی شود؛ اما در مورد آنچه نیازمند قانون‌گذاری جدید است، لازم است با کمک گرفتن از اصول کلی وضع شده توسط رئیس اول و رئیس مماثل به استنباط و استخراج احکام غیرمصرح مبادرت شود و از همین روست که نیازمند «صناعت فقه» هستیم. فقه صنعتی است که انسان می‌تواند به کمک آن و با استفاده از احکام موضوعه و مصرحه و اصول کلی به استخراج و استنباط حکم آنچه واضح شریعت آن را بیان نکرده است، پردازد؛ چنین انسانی که اهل استنباط و از فضائل دینی نیز برخوردار باشد، «فقیه» است (فارابی، بی تا، ص ۳۱).

همچنین فارابی در کتاب *احصاء العلوم* در باب مستقلی که به علم مدنی اختصاص داده، از علم فقه نیز در ذیل علم مدنی سخن گفته است (فارابی، ۱۳۶۴) خواجه نصیرالدین طوسی، حکیم و متکلم نامدار شیعی، با صراحت بیشتری از فقه سیاسی سخن گفته است. وی معتقد است نیازمندی‌های بشر دوگونه‌اند: نیازهای ثابت که از طبیعت انسانی برمی‌خیزد و نیازهای متغیر که از شرایط متغیر محیطی، اقتصادی، سیاسی و نژادی متأثر است. نیازهای دسته اول با قوانین ثابت و نیازهای دوم با قوانین موضوعه و متغیر برآورده می‌شود. فقه سیاسی از دانش‌هایی است که عهده‌دار پر کردن خلأ قانون‌گذاری در حوزه دوم است:

«و باید دانست که مبادی مصالح اعمال و محاسن افعال نوع بشر که مقتضی نظام امور و احوال ایشان بود، در اصل یا طبع باشد یا وضع؛ اما آنچه مبدأ آن طبع بود، آن است که تفصیل آن، مقتضای عقول اهل بصارت و تجارب ارباب کیاست بود و به اختلاف ادوار و تقلب سیر و آثار، مختلف و متبدل

نشود، و آن اقسام حکمت عملی است که یاد کرده آمد، و اما آنچه مبدأ آن وضع بود، اگر سبب وضع اتفاق رأی جماعتی بود بر آن، آن را آداب و رسوم خوانند و اگر سبب، اقتضای رأی بزرگی بود، مانند پیغمبر یا امامی، آن را نوامیس الهی گویند، و آن نیز سه صنف باشد: یکی... عبادات و احکام آن، و دوم... مناکحات و دیگر معاملات، و سوم آنچه راجع به اهل شهرها و اقلیم‌ها بود، مانند حدود و سیاست، و این نوع علم را علم فقه خوانند، و چون مبدأ این جنس اعمال، مجرد طبع نباشد، وضع است به تقلب احوال و تغلب رجال و تطاول روزگار و تفاوت ادوار و تبدل ملل و دول در بدل افتد (خواجه نصیرالدین، ۱۳۶۴، صص ۴۱-۴۰).

نکته مهم در عبارت بالا، توجه مستقل به «فقه سیاسی» و نیز ویژگی مهم آن، یعنی «در بدل افتادن» و «تغییر کردن» احکام و مسائل فقه سیاسی به حسب شرایط ملت‌ها و دولت‌ها و زمان و مکان است. از ویژگی‌های مهم زندگی سیاسی، تغییر و تحول است، درحالی‌که نصوص و قواعد دینی ثابت است، از وظایف مهم فقه سیاسی و فقیه سیاسی این است که میان نصوص ثابت و واقعیت‌های متغیر زندگی اجتماعی هماهنگی روشمند پدید آورد.

بنابراین، فقه سیاسی در معنای خاص، به‌عنوان یک رشته علمی، عهده‌دار تطبیق و هماهنگی میان نصوص دینی و واقعیت‌های متغیر زندگی اجتماعی و سیاسی است. بر همین اساس طبیعی است که اندیشه سیاسی فقها در بستر زمان متحول شده و دارای تطوراتی باشد. در مقاله حاضر فقه سیاسی به معنای یک دانش مدنظر است. از این رو، در ادامه مسائل آن با دو رهیافت توصیفی و تجویزی تبیین می‌شود. از آنجاکه اثر حاضر نگاهی بیرونی به فقه سیاسی دارد، معرفی مسائل آن نیز با چنین نگاهی صورت می‌گیرد. هدف اصلی مقاله ارائه توجیهی برای تأسیس رشته فقه سیاسی است.

۲. مسائل فقه سیاسی: رهیافت توصیفی

مقصود از رهیافت توصیفی، رهیافتی است که در آن گزارشی از مسائل مطرح شده در آثار فقها، هم به‌عنوان آشنایی با پیشینه بحث و هم به‌عنوان آشنایی با مسائلی که تاکنون

در فقه سیاسی مطرح بوده است، ارائه می‌شود. در جهت تحقق این هدف، به تفکیک گزارش تحلیلی مختصری از برخی آثار مهم فقهای اهل سنت و شیعه آورده می‌شود.

۲-۱. مسائل فقه سیاسی در آثار فقهای اهل سنت

۲-۱-۱. کتاب «الاحکام السلطانیه»

در این کتاب، مسائل مختلفی از فقه سیاسی بر محور اصل خلافت بررسی شده است. ماوردی در این کتاب پس از توضیح اصل مذکور با عنوان «فی عقد الامامه» در باب اول، باب دوم را به «وزارت» اختصاص می‌دهد. بسیاری از ابواب دیگر این کتاب به «امارت» اختصاص یافته، به تناسب آن احکام مختلفی درباره انواع «ولایات» از قبیل ولایت قضاء، مظالم، صدقات و... آورده شده است. در پایان، برخی احکام شرعی مربوط به جرائم و حربه آورده شده است. بدین ترتیب، می‌توان رویکرد اصلی ماوردی در مباحث و مسائل فقه سیاسی را، توجه به سیاست شرعی از دیدگاه داخلی دانست. وی کمتر به مباحث و مسائل سیاست شرعی خارجی پرداخته است (الماوردی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳).

۲-۱-۲. کتاب معالم القربۃ فی طلب الحسبه

در این کتاب به شکل تخصصی، موضوع حربه در فقه سیاسی اهل سنت بررسی شده است. شرائط حربه و ویژگی‌های محتسب، امر به معروف و نهی از منکر در آغاز بررسی می‌شود. سپس، به‌طور مفصل حربه در موضوعات مختلف از قبیل حربه در آلات محرمه و خمر، حربه بر اهل ذمه، اهل جنائز، حربه در معاملات و انواع آن و نیز حربه در مورد شغل‌های مختلف در جامعه اسلامی مطرح شده است. در این کتاب می‌توان مصادیق مختلف حربه به عنوان یکی از مسائل بسیار مهم فقه سیاسی را مشاهده کرد؛ این کتاب به این دلیل از اهمیت زیادی در زمینه مسائل حربه برخوردار است (ابن‌اخوه، ۱۳۸۶).

۲-۱-۳. کتاب سلول الملوک

این کتاب از اهمیت بسیار زیادی در آثار فقه سیاسی اهل سنت برخوردار است. به این دلیل، در اینجا با اشاره به سازماندهی کتاب مذکور، چرایی سازماندهی کتاب را، که از دیدگاه فقه سیاسی با اهمیت است، توضیح داده می‌شود. کتاب از یک مقدمه و پانزده فصل تشکیل شده است.

وی در بیان علت سازماندهی کتاب آورده که این کتاب برای بیان وظایف امام و سلطان از جهت امامت و سلطنت نوشته شده است:

«انجام درست این کار بر چند چیز متوقف است، اولاً، بر معرفت امام و سلطان در شرع و تبیین مفهومی این اصطلاحات، و مقدمه این کتاب مفید است. و چون امامت در شرع عبارت از خلافت پیامبر است، در اقامت شرع و حفظ حوزه دین به گونه‌ای که پیروی از او بر تمام مردم واجب باشد، پس عمل امام که برپا داشتن شرع و حفظ دین است و این هر دو کار بر فراگیری علوم شریعت متوقف است؛ زیرا که اجرای شرع از روی جهل ممکن نیست، پس امام لازم است علوم شریعت حفظ را کند. باب اول مفید حفظ علوم شریعت است. عمل امام در شرع، بنا بر اتصاف او به وصف امامت، یا با مسلمانان است یا با کافران؛ اگر با مسلمانان است، یا با مسلمانان عادل است که در اطاعت امام‌اند، یا با مسلمانان یاغی که از طاعت او خارج‌اند؛ و اول که در طاعت امام‌اند، یا تصرف در نفوس ایشان است یا در اموال، یا در هر دو. اگر تصرف در نفوس ایشان است یا به نصب کسی است که دشمنان را به ادای حقوق وادار کند، و آن قاضی است و باب دوم مفید نصب اوست، یا به نصب کسی است که امر به معروفات و نهی از منکرات نماید، و آن محتسب است، و باب سوم مفید نصب اوست، یا به نصب کسی است که نایب خلیفه در اجرای احکام متعلق به سیاست باشد، و آن داروغه و اشیاء اوست، و باب چهارم مفید نصب اوست. این ابواب تصرف در نفس است.

تصرف در اموال به اخذ حقوق شرع از آن است و صرف در مصارفی که شارع تعیین فرموده؛ و آن اگر متمحض در عبادت است، تصرف در او به اخذ زکات است، و باب پنجم مفید آن است. و اگر متضمن معونت است یا سبب حفظ مقاتله اسلام است و آن خراج است، و باب ششم مفید آن است. یا سبب حفظ غیر ایشان از ارباب مصالح شرع است، و آن گمشده‌ها و ترکات و باقی اموال مصالح است، و باب هفتم مفید آن است. این عمل و تصرف امام در اموال است.

و اما تصرف در مجموع از اموال و نفوس، یا اجرای حدود است که متضمن حفظ مال و تعذیب نفوس جهت استصلاح است، و باب هشتم مفید آن است، یا به امر کردن ایشان به اقامت شعایر اسلام از حج و جمعه و عید است که متضمن تکلیف ابدان یا بذل مال است، و باب نهم مفید آن است. این عمل امام با مسلمانان عادل است، یا عمل است و تصرف در مسلمانان بغات، و باب دهم مفید آن است.

و اما عمل امام در شرع با کافران یا به جنگ است یا به صلح، اگر به جنگ است یا از جهت تعرق ایشان در کفر است، یا جهت عروض کفر است، و اول یا در نفوس یا اموال ایشان است؛ اگر در نفوس ایشان است، آن جهاد است، و باب یازدهم مفید آن است. یا در اموال ایشان است و آن غنایم است، و باب دوازدهم مفید آن است. یا جهت عروض کفر ایشان را بعد از اسلام است، و آن مرتدان از کافرانند، و باب سیزدهم مفید آن است. این عمل با کافران به جنگ است. و اما عمل با کافران به صلح یا به مصلحت اخذ مالی از ایشان است، و آن جزیه است، و باب چهاردهم مفید آن است. یا به مصلحتی غیر مال از استیناس با اهل اسلام است، و از سماع قرآن و شیوع تجارت و دیگر مصالح که رأی امام تقاضای آن کند، و آن مواعده و امان است، و باب پانزدهم مفید آن است (فضل‌الله بن روزبهان خنجی، ۱۳۶۲).

در بخش ملاحظات و ارزیابی نکاتی درباره دیدگاه اهل سنت ذکر خواهد شد.

۲-۲. مسائل فقه سیاسی در آثار فقهای شیعه

با توجه به اینکه از قدیم مسائل فقه سیاسی با عنوان «فقه السياسات» ذیل «فقه المعاملات» در بسیاری از آثار فقهای شیعه مطرح شده است، و با توجه به عدم تشکیل حکومت شیعی تا دوران صفویه، می‌توان تا اوائل دوران قاجاریه مسائل فقه سیاسی در آثار فقهای شیعه را به‌طور پراکنده و یا رساله‌های کم‌حجم، مثل «رساله فی العمل مع السلطان» سید مرتضی، و نه ذیل نظریه نظام سیاسی آنان مشاهده کرد. تأسیس حکومت صفویه زمینه‌های لازم برای توجه جدی‌تر به فقه سیاسی را در میان فقهای شیعه به دنبال داشت، به‌گونه‌ای که در اوائل قاجاریه بحث ولایت فقیه به‌صورت مستقل در آثار برخی از فقهای این دوران مطرح می‌گردد. از این دوران تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، آثار متعددی در زمینه فقه سیاسی با محوریت «نظریه ولایت فقیه» مطرح می‌شود که به‌عنوان نمونه، به چند مورد مهم آن اشاره می‌گردد.

۲-۲-۱. کتاب عوائدالایام

مولی احمد بن محمدمهدی نراقی یک عائده از عوائدالایام خود را به بحث «ولایت فقیه» اختصاص داده است. وی با شیوه‌ای اجتهادی بحث خود را از اصل «عدم ولایت» آغاز کرده، به بررسی روایات متعدد درباره ولایت فقیه و محدوده وظایف و اختیارات وی می‌پردازد. نراقی با اعتقاد به ولایت عام فقیه در دوران غیبت، مصادیق مختلف این ولایت را علاوه بر حوزه افتاء و قضاوت، در حوزه عمومی و فراتر از امور حسبیه مطرح می‌کند. از این رو، در این کتاب اگرچه ولایت فقیه در اموال یتیمان، مجانین، سفهاء، غائبان و... بررسی می‌شود، اما قلمرو ولایت به‌صورت عام و فراتر از این موارد مطرح می‌گردد (نراقی، ۱۳۷۹).

۲-۲-۲. تنبیه الامه و تنزیه المله

در این کتاب پس از تعریف و تشریح مفاهیم، ضرورت قیام حکومت به امور نوعیه و مشترک میان اعضای جامعه، اقسام سلطنت و از جمله سلطنت تملیکیه و ولایتیه و ویژگی‌های هر یک بحث شده است. ضرورت نظارت بیرونی، به‌عنوان جایگزین قوه

عصمت، از طریق تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس شورای ملی از دیگر مباحث ایشان است. قوای حافظ استبداد و چگونگی درمان آنها پایان‌بخش مباحث است.

۲-۳. کتاب البیع امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) همچون دیگر فقها ذیل فقه‌المعاملات و به تناسب بحث در کتاب «البیع»، ولایت فقیه را مطرح می‌کند، اما به تفصیل این نظریه را بررسی کرده، ولایت عام فقیه در دوران غیبت را با ادله عقلی و نقلی اثبات می‌کند. امام خمینی (ره) با بررسی روایات مختلف به لحاظ سندی و دلالتی، این نظریه را ثابت کرده، حدود اختیارات فقیه را توضیح می‌دهد. امام در این باره، به تساوی اختیارات حکومتی ولی فقیه با حاکم معصوم اعتقاد دارد و به برخی از مصادیق آن اشاره می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر اساس نظریه ولایت فقیه، فقه سیاسی با توجه و اقبال مضاعفی از سوی فقها و نویسندگان روبه‌رو گردید. در این دوران آثار متعددی درباره حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه تدوین می‌گردد، اما اهمیت این دسته از آثار، رویکرد خاص آنهاست که می‌توان در آنها مشاهده کرد. در این آثار، توجه خاص به «فقه سیاسی» به‌مثابه شاخه‌ای از فقه صورت گرفته و مباحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه ذیل آن بررسی شده است. در ادامه به دلیل رعایت اختصار تنها به یک مورد اشاره می‌شود:

۲-۴. فقه سیاسی

آیت‌الله عمید زنجانی در کتاب ده‌جلدی فقه سیاسی، این دانش را با رویکرد حقوقی بررسی کرده است. در جلد اول، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین گردیده زمینه ورود به بحث حکومت اسلامی در جلد‌های بعدی فراهم می‌گردد. در جلد دوم، نظام سیاسی و رهبری در اسلام، جلد سوم، حقوق بین‌الملل اسلام، جلد چهارم، اقتصاد سیاسی، جلد پنجم، حقوق و قواعد مخصصات در حوزه جهاد اسلامی، جلد ششم، اصول و مقررات حاکم بر مخصصات مسلحانه (جهاد)، جلد هفتم، مبانی حقوق عمومی در اسلام، جلد هشتم، فقه و سیاست، تحول مبانی اندیشه

سیاسی در فقه سیاسی، جلد نهم، قواعد فقه سیاسی (مصلحت) و جلد دهم، اندیشه سیاسی در جهان اسلام معاصر، مطرح شده است؛ افزون بر این، در یک جلد مستقل با عنوان «درآمد»، کلیاتی درباره حقوق اساسی آورده شده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۸-۱۳۸۲).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این کتاب، فقه سیاسی شیعه با رویکردی حقوقی و با توجه به مباحث حقوق اساسی اسلامی بررسی شده است. «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه» از دیگر منابعی است که در این دوره تدوین شده است (منتظری، ۱۳۶۶-۱۳۷۴).

۳. ارزیابی و ملاحظات

نقد و بررسی تفصیلی این آثار و دیگر آثاری که در حوزه فقه سیاسی نوشته شده است، در این مجال مقدور نیست. اما در حدی که برای رهیافت تجویزی زمینه‌سازی کند، اشاراتی خواهد شد.

آثار تدوین‌شده در میان اهل سنت از یک منظر در دو گروه کلی و کلان قابل تقسیم است: آثار عمومی و آثار موضوعی. «احکام السلطانیة»ها از زمره آثار عمومی هستند. در این آثار، به شکل فراگیر و اجمالی به حوزه‌ها و مباحث مختلف پرداخته شده است. وجه ارتباطی و اشتراکی مباحث «خلیفه» است. به عبارت دیگر، تمام مباحث در ارتباط با خلافت و خلیفه تعیین تکلیف می‌شود. بهترین نمونه را در این مورد فضل‌الله بن روزبهان خنجی رقم زده است.

خلاصه استدلال وی درباره این چارچوب به شرح زیر قابل بیان است:
حقوق و وظایف حکومت اسلامی، از نظر ایشان، در سه حوزه منحصر است:

اول: در رابطه با مسلمانان

- الف. ولایت بر نفوس: موضوع ابواب دوم، سوم و چهارم کتاب «سلوک الملوک»؛
 - ب. ولایت بر اموال: موضوع ابواب پنجم، ششم و هفتم کتاب «سلوک الملوک»؛
 - ج. ولایت بر اموال و انفس: موضوع ابواب هفتم و هشتم کتاب «سلوک الملوک».
- دوم. در رابطه با اهل بغی: موضوع باب دهم کتاب «سلوک الملوک»

سوم. در رابطه با کفار

الف. حقوق صلح: موضوع ابواب چهارده و پانزده کتاب سلوک الملوک؛

ب. حقوق جنگ: موضوع ابواب یازده و دوازده و سیزده کتاب سلوک الملوک.

چارچوب ایشان چارچوب علمی و قابل استفاده‌ای است. امروزه هم می‌توان در بسط مباحث فقه سیاسی، و حتی طراحی درس‌های این حوزه از آن استفاده کرد. البته نیاز به گفتن ندارد که نیازمند تکمیل و بازسازی است. سیر تحول و تکامل منابع عمومی، در جهان اهل سنت، با اثر ماوردی آغاز و با اثر روزبهان خنجی پایان می‌یابد. از دسته دوم، می‌توان به آثاری اشاره کرد که موضوعات خاصی، نظیر حسبه یا جهاد را، به شکل مستقل، بررسی کرده است. کتاب «معالم القریه»، که در متن به آن اشاره شد، در موضوع حسبه بود.

روند تدوین منابع فقه سیاسی در میان شیعیان متفاوت از جهان اهل سنت بوده است. روشن است که دور بودن از حکومت یکی از دلایل این مسئله می‌تواند باشد. نقطه آغازین این حرکت دغدغه ساماندهی زندگی شیعیان در حکومت جائر را دارد. رساله «فی العمل مع السلطان»، نوشته سید مرتضی، به‌عنوان اولین اثر مطرح شیعه در حوزه فقه سیاسی، از این قبیل موارد است. در دوره‌های بعدی نقطه ثقل مباحث از «سلطان جائر» به سمت «فقیه عادل» منتقل شد، هرچند استقرار نیافت. «عوائد الایام» از این قبیل است. کتاب نایینی از جهات مختلف نقطه تحولی در فقه سیاسی شیعه بود. ایشان برای نخستین بار فقه شیعه را در رویارویی با تحولات جدید صورت گرفته در مغرب‌زمین، به‌ویژه مشروطه، قرار داد. به این ترتیب، مفاهیم جدیدی وارد فقه سیاسی شد. اثر امام خمینی (ره)، «ولایت فقیه»، را به‌عنوان محور فقه سیاسی شیعه مطرح کرد. پس از انقلاب اسلامی این نظر در عمده آثار مورد توجه و در واقع، محور اصلی بوده است. می‌توان گفت دیدگاه شیعی در زمینه فقه سیاسی، در قالب بخشی از فقه، و نه به‌عنوان رشته علمی مستقل، در قالب کتاب «فقه سیاسی» عمید زنجانی و کتاب «دراسات» به سرانجام خود رسیده است. در واقع، این آثار برای زمان خود مناسب و تا حدی پاسخگو بوده است، اما در وضعیت فعلی لازم است فقه سیاسی بازسازی شود تا پاسخگوی شرایط کنونی باشد؛ چیزی که در ادامه مقاله پیگیری شده است.

۴. مسائل فقه سیاسی؛ رهیافت تجویزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران در کنار تدوین آثار متعددی درباره حکومت اسلامی و فقه سیاسی، برخی دیدگاه‌ها با توجه به ضرورت تقویت فقه سیاسی، پیشنهادهای ارائه کرده‌اند. این پیشنهادات، که البته بسیار اندک است، عمدتاً در چارچوب فقه سیاسی سنتی و با نگاهی عمومی ارائه شده است.^۲ با توجه به آنچه که در آغاز مقاله حاضر گذشت، پذیرش فقه سیاسی به‌عنوان یک دانش، گستره‌ای وسیع برای قلمرو مسائل فقه سیاسی به دنبال می‌آورد.

آشنایی با فقه سیاسی به‌عنوان دانش تعیین‌کننده رفتارهای سیاسی مردم مسلمان ایران و جهان اسلام پس از تشریف آن‌ها به دین مبین اسلام تاکنون، آشنایی با تاریخ تطور فقه سیاسی شیعه و اهل سنت، آشنایی با چگونگی مواجهه فقهای مسلمان با «حوادث واقعه» و مسائل نوپدید، آشنایی با وضعیت کنونی فقه سیاسی و چالش‌های پیش‌روی آن، آشنایی با مکاتب فقه سیاسی، آشنایی با مفاهیم، مباحث و مسائل مهم فقه سیاسی از قبیل ولایت فقیه، به‌عنوان مبنای مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران، آشنایی با یکی از دانش‌های سیاسی بومی و اسلامی و جایگاه آن نسبت با سایر دانش‌ها و ارائه پاسخ به پرسش‌های مطرح، به‌ویژه پرسش‌های نوپدید، در حوزه زندگی سیاسی (تعیین حدود الهی در حوزه‌های رفتاری مختلف زندگی سیاسی) به‌ویژه بررسی و تعیین تکلیف روابط شهروندان با یکدیگر، روابط شهروندان با دولت و روابط دولت‌ها با یکدیگر از مهم‌ترین اهداف تأسیس رشته فقه سیاسی است.

با این فرض که نظام آموزشی در جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند است و بلکه ضروری می‌بیند رشته‌ای به نام «فقه سیاسی» تأسیس شود، در این بخش به‌اختصار مهم‌ترین مسائل مورد بحث فقه سیاسی فهرست‌وار بیان می‌گردد.

جایگاه فقه سیاسی در میان معارف سیاسی دینی، از قبیل فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق مدنی، حقوق و...، معرفی، نقد و بررسی متون و آثار مهم در حوزه فقه سیاسی، معرفی و بررسی الگوهای مهم در حوزه فقه سیاسی از قبیل: الگوی تقیه، الگوی تغلب، الگوی اصلاح، الگوی انقلاب و بررسی نسبت الگوهای مذکور با الگوی آرمانی (دولت نبوی، علوی و مهدوی)، مبادی و مبانی فقه سیاسی، اعم از مبادی و

مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی (لکزایی، ۱۳۸۲؛ میراحمدی، ۱۳۸۲ و علیخانی و دیگران، ۱۳۸۶)، مبادی و مبانی هستی‌شناختی، مبادی و مبانی انسان‌شناختی (جبر و اختیار، کمال‌طلبی، اصالت فرد یا جمع، عقل‌گرایی یا شهوت‌گرایی و...)، مبادی و مبانی اخلاقی (مبارزه با موانع درونی و بیرونی کمال‌طلبی)، مبادی و مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، مبادی و مبانی کلامی گروه‌های مختلف کلامی از قبیل اشاعره، معتزله، شیعه، مرجئه و...، مباحث فلسفه دین (و انتظار از دین)، مبادی و مبانی اصول فقهی؛ مثل اصالة الاحتیاط و اصالة الإباحه، عقل‌گرایی و نقل‌گرایی، اجتهاد و تقلید، اصالة التکلیف و اصالة البرائة و تصویب و تخطئه و منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی از قبیل قرآن، سنت، اجماع، عقل، قیاس، استحسان، مصالح مرسله، استصلاح، مذهب صحابه، سد ذرایع و فتح ذرایع، شریعت سلف، عرف و عادت، سیره عملی اهل مدینه، استدلال، استلزام، استصحاب و برائت (صابری، ۱۳۸۱ و جناتی، ۱۳۷۰)، از مباحث پایه در این رشته است که ضروری است بدان‌ها توجه شود.

پیشینه‌شناسی از دیگر مباحثی است که در طراحی این رشته و تبیین هویت آن لازم است به آن توجه شود. بررسی تاریخ اندیشه سیاسی فقهای شیعه بخشی از پیشینه‌شناسی و تاریخ اندیشه سیاسی فقهای اهل سنت، بخش دیگر آن است.^۳ روشن شدن ادوار و مکاتب فقه سیاسی و نیز روشن شدن تاریخ تاریک فقه سیاسی و ارزشیابی نسبت به میراث از ثمرات مباحث مربوط به پیشینه‌شناسی است.

پس از مباحث پیش‌گفته نوبت به مسائل نظام سیاسی می‌رسد. ضرورت نظام سیاسی، خاستگاه نظام سیاسی (انتصاب، انتخاب، وکالت، انتصاب و انتخاب)، اهداف نظام سیاسی، ساختار نظام سیاسی، عناصر نظام سیاسی، و انواع و اشکال نظام سیاسی برخی از مهم‌ترین مباحث این قسمت است. بررسی مفاهیم اساسی نظام سیاسی از قبیل شورا، بیعت، مصلحت، احکام حکومتی، حسب، دانش (حکمت و فقاقت)، قدرت، مشروعیت، حاکمیت، حریت، امامت، ولایت، اصالت، سلطنت، قضاوت، استیلا، تغلب، شوکت، عدالت، نصب، انتخاب، حق، تکلیف، مردم، نظارت، سلطان، سلطان عادل، سلطان جائر و سلطان کافر ضمن اینکه جنبه تاریخ فکر سیاسی اسلامی را دارد، اما برای ارائه هرگونه نظریه در عصر و زمان ما نیز فوریت دارد.

نقد و بررسی نظریه‌های دولت در فقه سیاسی اسلام از قبیل نظریه سلطنت مشروعه، نظریه ولایت انتصابی عامه فقیهان، نظریه ولایت انتصابی مطلقه فقیهان، نظریه ولایت انتصابی شورای مراجع تقلید، نظریه حسبیه، نظریه دولت مشروطه، خلافت مردم با نظارت مرجعیت، نظریه ولایت انتخابی مقیده فقیه، نظریه ولایت انتخابی اسلامی، نظریه حکومت مردم‌سالاری دینی، نظریه وکالت و نظریه ولایت امت از دیگر مباحثی است که نیازمند بررسی و واکاوی علمی است.

مباحث مربوط به سیاست داخلی از قبیل امور حسبیه، حقوق (و وظایف) دولت بر مردم، حقوق (و وظایف) مردم بر دولت، نقش مردم در حکومت اسلامی، کتب ضاله، ارتداد، خروج و محاربه، همکاری با نظام جور، مرابطه، انفال و مباحات عامه، اراضی خراجیه، جزیه و مالیات، حقوق اقلیت‌ها، آزادی، کنترل قدرت،... و مباحث مربوط به سیاست خارجی از قبیل اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی و روش‌ها و تاکتیک‌های سیاست خارجی دولت اسلامی از قبیل دعوت و گفتگو، جهاد، تقیه، تولی، استجاره و امان، مصونیت دیپلماتیک، دفاع از مستضعفان، حضور در مجامع بین‌المللی، تألیف قلوب و... از دیگر مسائلی است که رشته فقه سیاسی عهده‌دار بررسی ابعاد فقهی آن‌ها می‌شود. در این مورد از نقش بی‌بدیل اصول و قواعد فقه سیاسی^۴ نباید غفلت کرد. برخی از اصول و قواعد نقش روش‌شناختی و برخی نقش پشتیبانی از اقدامات و تصمیم‌گیری‌های میدان عمل را دارد.

مسائل مستحدثه و نسبت‌سنجی فقه سیاسی با هریک از آن‌ها از دیگر مسائل مورد بحث در «فقه سیاسی» به‌مثابه یک رشته علمی خواهد بود. فقه سیاسی و شرایط زمان و مکان، فقه سیاسی و عقلانیت، فقه و جامعه، فقه و دولت، فقه و مدرنیته، فقه و قانون، فقه و مصلحت، فقه و قدرت، فقه و مسئله مشروعیت، فقه و علوم تجربی، فقه و حقوق، فقه و جنسیت، فقه و فرد، فقه و محیط زیست، فقه و مطبوعات، فقه و آزادی، فقه و عدالت، فقه و روابط بین‌الملل، فقه و افکار عمومی، فقه و انتخابات، فقه و نظارت، فقه و رسانه‌ها، فقه و توسعه، فقه و جهانی‌سازی، فقه و مالکیت معنوی و فقه و عرف برخی از این موارد است.

مباحث تطبیقی از دیگر محورهایی است که پیشنهاد می‌شود در رشته فقه سیاسی مطالعه گردد. بررسی تطبیقی دیدگاه شیعه و اهل سنت، بررسی تطبیقی دیدگاه اصولی‌ها و اخباری‌ها، بررسی تطبیقی دیدگاه قائلان به اجتهاد و بررسی تطبیقی دیدگاه مجتهدان و روشنفکران دینی در حوزه فقه سیاسی از مهم‌ترین محورهای مباحث تطبیقی است. کمترین فایده مباحث فقه سیاسی تطبیقی کشف نقاط اشتراک و نقاط اختلافی و چالشی است. علاوه بر چالش موجود بین اصولی‌ها و اخباری‌ها، که انکارپذیر نیست، در میان قائلان به اجتهاد نیز چالش‌هایی قابل شناسایی است که در برخی موارد تأثیرات سیاسی این چالش‌ها، از چالش موجود میان اصولی‌ها و اخباری‌ها بیشتر است.

در صورتی که رشته فقه سیاسی، به‌عنوان یکی از اقدامات لازم در راستای اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی از سوی مراکز علمی ایران برداشته شود، می‌توان برای برخی از مباحث فقه سیاسی، که مسائل آن‌ها به اندازه‌ای است که باید در یک گرایش مستقل مورد بحث و بررسی قرار گیرد، از قبیل فقه امنیت، فقه اطلاعات و فقه روابط بین‌الملل، گرایش مستقل تأسیس کرد.

جمع‌بندی

این مقاله تصویری از مسائل فقه سیاسی با دو رهیافت توصیفی و تجویزی بود. در رهیافت نخست، به برخی از مهم‌ترین آثار فقهی در میان اهل سنت و شیعه اشاره شد. با استخراج مباحث مربوط به فقه سیاسی، مسائل فقه سیاسی از دیدگاه فقهای مذکور توضیح داده شد. اما در رهیافت دوم، نظر به تحولات پدیدآمده در عرصه فقه سیاسی و ضرورت روزآمد کردن آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به راهکارهایی در جهت تقویت فقه سیاسی پرداخته شد. در این قسمت، با توجه به پذیرش ایده «فقه سیاسی به‌مثابه دانش»، تلاش گردید تا تصویری مختصر از مهم‌ترین مسائل فقه سیاسی ارائه گردد. در این تصویر مهم‌ترین مباحث و مسائلی که شایسته است ذیل عنوان فقه سیاسی مطالعه گردد، آورده شد. امید است با تأسیس رشته فقه سیاسی به نیازهای علمی جامعه و نظام اسلامی در حوزه مباحث مربوط به سیاست اسلامی و نظم عمومی، در محدوده‌ای که بر عهده فقه است، پاسخ داده شود.

یادداشت‌ها

۱. مقاله حاضر گزیده‌ای از پژوهشی است که در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی توسط نویسنده انجام شده است.

۲. برای مثال، در یکی از این دیدگاه‌ها آمده است که اگر حوزه‌های علمیه تصمیم بگیرند بحث‌های حکومتی و مدیریتی نظام را به متون درسی و پژوهشی حوزه اضافه کنند تحقیقاً کتب و ابواب و فصول فراوانی به ابحاث فقهی اضافه خواهد شد. نظیر ۱. کتاب ساختار نظام، ۲. کتاب رهبری و ولایت، ۳. کتاب قانون‌گذاری، ۴. کتاب انتخابات، ۵. کتاب شوراها، ۶. کتاب حدود و حقوق مردم و حکومت، ۷. کتاب احزاب، ۸. کتاب مطبوعات و رسانه‌ها، ۹. کتاب اینترنت و ماهواره، ۱۰. کتاب هنر، ۱۱. کتاب فیلم، تلویزیون و نمایش‌ها، ۱۲. کتاب سیاست خارجی، ۱۳. کتاب اقلیت‌های دینی و قومی، ۱۴. کتاب نظام فدرالی، ۱۵. کتاب روابط خارجی، ۱۶. کتاب سازمان‌های بین‌المللی، ۱۷. کتاب فضا، ۱۸. کتاب دریاها، ۱۹. کتاب اعماق زمین، ۲۰. کتاب معادن، ۲۱. کتاب صنایع، ۲۲. کتاب کرات آسمانی، ۲۳. کتاب سلاح‌های غیرمتعارف، ۲۴. کتاب امراض مسری، ۲۵. کتاب بهداشت عمومی، ۲۶. کتاب بیمه‌های دریایی، ۲۷. کتاب تأمین اجتماعی، ۲۸. کتاب آب‌های مشترک، ۲۹. کتاب بیمه‌ها، ۳۰. کتاب تورم، ۳۱. کتاب نقدینگی، ۳۲. کتاب بانکداری، ۳۳. کتاب اختراعات و مالکیت معنوی، ۳۴. کتاب حقوق شهروندی، ۳۵. کتاب مهاجرت، ۳۶. کتاب مهار جمعیت، ۳۷. کتاب محیط زیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷). در این دیدگاه مباحث فقه سیاسی از فقه اقتصادی، فقه قضایی، فقه محیط زیست و دیگر شاخه‌های تخصصی فقه جدا نشده است.

۳. تاریخ اندیشه سیاسی فقهای شیعه از قبیل بررسی اندیشه سیاسی - فقهی شیخ مفید، سید مرتضی، ابوالصلاح حلبی، شیخ طوسی، طبرسی، ابن‌ادریس، محقق حلی، علامه حلی، محقق کرگی، شهید ثانی، محقق اردبیلی، محقق سبزواری، فیض کاشانی، محمدمامین استرآبادی، علی‌نقی کمره‌ای، علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، سید نعمت‌الله جزایری، فاضل هندی، وحید بهبهانی، ملامهدی نراقی، میرزای قمی، ملااحمد نراقی، صاحب‌جواهر شیخ محمدحسن نجفی، میرزای شیرازی، نجم‌آبادی، آخوند خراسانی، محمدحسین نایینی، امام خمینی، سید محمدباقر صدر، محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمدحسین فضل‌الله و سید کاظم حائری بخشی از این پیشینه‌شناسی است. تاریخ اندیشه سیاسی فقهای اهل سنت از قبیل اندیشه سیاسی - فقهی ابوحنیفه، مالک بن انس، محمد بن ادریس شافعی، احمد بن حنبل، ماوردی، غزالی، ابن تیمیه، فضل‌الله بن روزبهان خنجی، محمد بن عبدالوهاب، طهطاوی، عبده، رشید رضا، مصطفی عبدالرازق و شلتوت بخش دیگر آن است.

اندیشه سیاسی تمامی فقهای شیعی مورد اشاره توسط پژوهشگران پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم انجام و بیشترشان منتشر شده است.

۴. اصول و قواعدی از قبیل اصل تکلیف، اصل مصلحت (افتخاری، ۱۳۸۴)، اصل حفظ نظام، اصل دعوت و گسترش اسلام (نحل: ۱۲۵)، اصل نفی سبیل؛ «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» - (نساء: ۱۴۱)، اصل تقدیر اهم بر مهم، اصل عمل به قدر مقدور؛ قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور»، اصل عدالت (نساء: ۱۳۵)، اصل ضرورت حکومت، اصل ولایت الهی، اصل تدریج، اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام، قاعده مقابله به مثل (بقره: ۱۹۴)، قاعده تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، وفای به عهد «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» - (مائده: ۱) و «المؤمنون عند شروطهم»، اصل عدم ولایت افراد بر یکدیگر (کهف: ۲۶)، قاعده رجوع جاهل به عالم؛ «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (انبیاء: ۷)، قاعده الاسلام یجب ما قبله؛ با قبول اسلام جرایم مربوط به حق الله عفو می شود. قاعده نفی عسر و حرج؛ «...وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» - (حج: ۷۸)، ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع (نهج البلاغه، خطبه ۱)، قاعده القرعة فی کل امر مشکل (نوری، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۲۷۴)، تقیه، کتمان عقیده برای حفظ مصالح عالی و پیشبرد امر دین (نحل: ۱۰۶)، مشورت در امور دنیوی و غیروحیانی؛ «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» - (آل عمران: ۵۹)، عدم تبعیض (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آنها؛ «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ...» (حج: ۳۲)، تألیف قلوب «... وَالْمَوْلَفَةَ قُلُوبِهِمْ...» - (توبه: ۶۰)، قاعده دره؛ این قاعده حدود شرعی را (مجازات های حدی) با ورود شک منتفی می کند: «ادرو الحدود بالشبهات» (حر عاملی، ۱۳۶۸، ج ۲۸، ص ۴۷)، قاعده الزام؛ به این معنا که هر فردی، ملتزم به معتقدات خود است: «من دان بدین قوم لزمتها حکامهم» (حر عاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۳۲۱)، قاعده سلطنت؛ «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۲)، قاعده احسان؛ اموری که با نیت خیر انجام می شود، در صورتی که منجر به خسارتی گردد، انجام دهنده فاقد مسئولیت مدنی است و در مورد خطای حاکم و قاضی خسارت از بیت المال پرداخت می شود. «...مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ...» - (توبه: ۹۱)، قاعده من له الغنم فعلیه العزم؛ یعنی هزینه ها و خسارت های اموال و حقوق برعهده همان کسی است که از آنها استفاده می کند (حر عاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۲۶)، مصونیت سفیران (نوری، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۹۸)، حفظ جان مسلمان (نوری، ۱۳۶۰، ج ۱۹، ص ۱۱۱) و اصل «اجتهاد» که در جهت دهنده به اصول و قواعد مذکور است.

کتابنامه

- ابن اخوه، محمد بن محمد (۱۳۸۶)، آیین شهرداری (= معالم القرية في احكام الحسبه)، ترجمه جعفر شعار، تهران: تأویل.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، علم سیاست در ایران، تهران: باز.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- همو (۱۳۸۵)، «شرعی‌سازی سیاست: چارچوبی معرفتی برای تحقق ایده سیاست اسلامی»، دانش سیاسی، شماره ۴.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۸)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق مؤسسه آل‌البیت(ع) لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع) لاحیاء التراث.
- خامنه‌ای، روح‌الله (۱۳۷۳)، البیع، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۵.
- صابری، حسین (۱۳۸۱)، عقل و استنباط فقهی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- طباطبایی، محمدحسین و دیگران (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علیخانی، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۶)، روش‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۸-۱۳۸۲)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۰ جلد.
- فارابی، محمد بن محمد ابونصر (بی‌تا)، المله و نصوص اخرى، حققها و قدم لها و علق علیها محسن مهدی، بیروت.
- همو (۱۳۶۴)، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، تاریخ فقه و فقهها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (۱۳۶۲)، سلوک الملوك، تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.

لكزایی، نجف (۱۳۸۲)، «روش شناسی فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۱. ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی (۱۳۸۰)، الاحكام السلطانية والولايات اللدینیه، درایه و تحقیق محمد جاسم، بغداد: المجمع العلمی.

ماوردی، علی بن محمد (۱۳۸۳)، آیین حکمرانی، ترجمه الاحكام السلطانية، ترجمه و تحقیق حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۲)، «روش شناسی فقه سیاسی اهل سنت»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۱.

منتظری، حسینعلی (۱۳۶۶-۱۳۷۴)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

منتظری، حسینعلی (۱۳۸۰)، نظام الحکم فی الاسلام، تهران: سرایی.

نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۹)، عوائد الایام فی بیان قواعد استنباط الاحکام، بیروت: دار الهادی.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۰)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۷)، پاسخ های مکتوب آیت الله هاشمی رفسنجانی به پرسش های شهروند/امروز، هفته نامه شهروند امروز، شماره ۱۳۵۷.